

تأثیر عروض قرآن بر اوزان شعر حافظ

زهرا جمشیدی^۱

چکیده

قرآن بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام و نشانه حقانیت دین مبین اسلام است. در اعجاز قرآن همین بس که از زمان نزول آن تا کنون کسی نتوانسته است آیه‌ای همانند آن بیاورد. با واکاوی ابعاد مختلف قرآن، همواره افق‌هایی تازه در برابر پژوهشگران گشوده می‌شود. یکی از مهم‌ترین بحث‌های زبان و ادبیات فارسی تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از ظاهر و باطن قرآن است. در میان ادبا، حافظ شیرازی یکی از شاعرانی است که تأثیرپذیری فراوانی از قرآن دارد؛ این اثرپذیری نه فقط در محتوا که در لفظ، وزن و حتی بحور عروضی است. ما در این جستار برآنیم تا با مطالعه تطبیقی اوزان و بحور پربسامد حافظ و قرآن کریم به میزان اثرگذاری بحور قرآنی بر شعر حافظ دست یابیم. برآیند تحقیق اثبات می‌کند که بحور رمل، مضارع، هزج، متقارب و رجز از جمله بحرهای مشترک شعر حافظ و قرآن کریم می‌باشد و حافظ از این نظر نیز تحت تأثیر قرآن است. نکته دیگر این که بحور قرآنی بسیار شبیه به شکل عروض اشعار فارسی هستند و بسیاری از اوزان عروضی که در عربی غالباً به شکل مسدس و مربع به کار می‌روند، در قرآن کریم به شیوه اوزان فارسی به صورت مثنی استفاده شده‌اند و این امر اثبات می‌کند که نه تنها محتوای قرآن متعلق به کل جهان است و فقط اختصاص به جهان عرب ندارد، وزن و ظاهر آن نیز اختصاص به زبان عربی ندارد و می‌تواند فرازبانی باشد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، حافظ، عروض، وزن، تأثیر.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران. Z.jamshidi@hsu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

۱- مقدمه

معجزه بزرگ پیامبر اسلام (ص) - که به واسطه آن، اسلام ختم ادیان شد - کتاب مقدس قرآن است. این کتاب علاوه بر محتوای بی نظیر خود، از نظر زبان و آهنگ نیز بی همتاست. موضوعی که از زمان نزول آیات وحی نظر هر شنونده‌ای را به خود جلب می‌کرد، وزن شورانگیزی این آیات بود که نه به شعر می‌مانست و نه به نثر و نه به سخن هیچ انسانی. اصولاً یکی از دلایلی که باعث شد قوم عرب به اسلام ایمان بیاورد، همین شورانگیزی آهنگ و معنای قرآن بود. تأثیر شیوایی قرآن نه فقط بر قوم عرب، بلکه بر همهٔ مناطقی که توسط مسلمانان فتح می‌شد، انکار ناپذیر است.

تأثیر قرآن در ایران باعث شد که از همان لحظهٔ ورود اسلام به ایران، ادیبان و دانشمندان ایرانی بسیاری در باب بخش‌های مختلف قرآن به مطالعه و پژوهش بپردازند و نتیجهٔ این مطالعات، انبوهی از آثار مکتوب علمی، ادبی و دینی شد. تأثیر الفاظ و معانی قرآن در بلاغت آثار ادبی ایرانی، یکی از مهم‌ترین مطالبی است که با اندک مطالعه‌ای در آثار منظوم و منثور ایرانی (چه زبان رسمی فارسی و چه زبان‌های محلی ایرانی) آشکار می‌شود.

علاوه بر تأثیر الفاظ و محتوای قرآن بر شعر و نثر ایران، وزن آیات قرآن نیز تأثیری چشمگیر بر اوزان عروضی نهاده است. بدون تردید وجود وزن عروضی در قرآن، بیانگر بُعدی دیگر از اعجاز قرآن است. «می‌توان تعداد عبارات موزون در سراسر قرآن کریم را بالغ بر چند هزار تخمین زد. تعداد بسیار زیاد این عبارات در سرتاسر قرآن کریم حاکی از آن است که این پدیده در قرآن، برخلاف نظر کسانی که معتقدند موزونیت این عبارات بدون قصد گوینده بوده است، تصادفی نیست» (شریف و بهرامی، ۱۳۹۵: ۸۸).

تأثیر اوزان عروضی شعر عرب بر شعر فارسی موضوعی آشکار و مبرهن است، اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که بسیاری از اوزان شعر عربی، به دلیل استفادهٔ فراوان از اختیارات و ضرورت‌های شعری برای ادیبان ایرانی سنگین و نارسا بوده‌اند و در مقابل ایرانیان خود وزن‌هایی روان و سلیس را ایجاد کرده‌اند که با سنگینی وزن‌های عربی تفاوت بسیار دارد. به عبارتی بهتر، هرچند شاعران

پارسی‌گوی در سرایش شعر و نظم قصاید از تازیان پیروی کردند و عروض شعر پارسی را از عروض شعر عربی استخراج نمودند، اما مطابق با ذوق خود تصرف‌هایی در این اوزان انجام دادند و علاوه بر آن، خود سه وزن دیگر به شانزده بحر معمول شعر عرب افزودند (خانلری، ۱۳۶۷: ۷۵ و ۱۷۳). «جالب است بدانیم برخی وزن‌ها مانند متقارب و رمل و دیگر پایه‌های وزنی، که به باور سخن‌سنجان، از اوزان غالب و ویژه در آثار منظوم فارسی هستند، فراوانی و بسامد قابل توجهی در بین آیات موزون قرآن کریم دارند» (صالحی، ۱۳۹۷: ۹۲).

با ذکر این موضوع، به قید احتمال می‌توان چنین پنداشت که ایرانیان مسلمان، با حوض و تعمق در ظاهر و باطن آیات قرآن و انس گرفتن به وزن آیات قرآن کریم، اوزان خاص شعر فارسی را تحت تأثیر وزن برخی از آیات شریفه پدید آورده‌اند، اوزانی که اختصاصاً متعلق به اشعار فارسی است و در اشعار عربی یافت نمی‌شود. به نظر می‌رسد این امر در شعر شاعرانی که بیشتر با قرآن عجین بوده‌اند بسامد بیشتری داشته باشد.

یکی از مطالعاتی که می‌تواند در درک عجین بودن اوزان قرآن و شعر فارسی راهگشا باشد، بررسی تطبیقی اوزان قرآن و نام‌آوران شعر فارسی است. یکی از کم‌نظیرترین شاعران ایرانی که با قرآن انس و الفتی ابدی داشته خواهد حافظ شیرازی است. حافظ شاعری است که به قول خودش هرچه کرده، همه از دولت قرآن بوده است. ما در این پژوهش قصد داریم مهم‌ترین اوزان مشترک اشعار حافظ و قرآن کریم را معرفی کنیم و با مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی تأثیرپذیری وزن اشعار حافظ از آیات قرآن بپردازیم.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

خواجه شمس‌الدین محمد متخلص به حافظ شیرازی یکی از نوادر شعر و ادب فارسی در قرن هشتم هجری است. لقب و تخلص خاص این شاعر، نشان از ارتباط عمیق او با قرآن کریم دارد. او کسی است که حافظ کل قرآن بوده و به گواهی خود، قرآن را به چهارده روایت از بر داشته است. آشنایان به شعر حافظ می‌دانند که اشعار

این شاعر تا چه اندازه تحت تأثیر مفاهیم ناب قرآنی است. علاوه بر این، حافظ به شدت از بلاغت قرآن نیز متأثر بوده و غزلیات او گواه این سخن است.

دیوان اشعار حافظ، دربردارنده مجموعه‌ای از غزلیات او در اوزان گوناگون است. حافظ شاعری دقیق است که با ظرافت، اوزان و بحور عروضی را در خدمت مفاهیم اشعار خود درآورده است. هماهنگی وزن و موضوع یکی از شگفتی‌های غزلیات حافظ است که به نظر می‌رسد این امر نیز تحت تأثیر اوزان قرآن کریم است. «خوش‌خوانی و خوش‌لهجگی حافظ و موزونیت مضاعف شعرش حدیث مشهوری است. حافظ به اقتضای قرآن‌شناسی و حافظ قرآن بودنش هم حساسیت موسیقایی پیشرفته‌ای داشته است. حافظ نه فقط حافظ قرآن، بلکه قاری و مقری پیشرفته‌ای هم بوده است و شک نیست که به شهادت همه قرائن، قرآن را - نه لزوماً در مجالس رسمی - به ترتیل و تغنی می‌خوانده است» (خرمشاهی، ۱۳۷۹: ۳۵).

توجه حافظ نسبت به حسن انتخاب اوزان عروضی یکی دیگر از نکات منحصر به فرد حافظ است. نکته‌ای که در باب اوزان عروضی شایسته توضیح است این است که واژه عروض در فرهنگ‌های لغت معانی مختلفی دارد. از جمله دهخدا در لغت‌نامه خود این مفاهیم را برای لغت عروض بیان کرده است: «نام ناحیه‌ای، نام کوهی، به معنای طریق و راه، اسمی برای شتر، سرزمین مکه و مدینه و ...» (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه عروض). معنای لغوی عروض با معنای اصطلاحی آن تا حدودی تفاوت دارد. عروض در اصطلاح علمی است که از ترکیب ارکان و افاعیل به دست می‌آید که «شعر را بر آن عرض کنند تا موزون از ناموزون پدید آید و مستقیم از نامستقیم ممتاز گردد» (الرازی، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۸). توجه به علم عروض و آشنایی با این علم نشان دهنده آن است که قرآن نیز در بسیاری از آیات و سوره‌ها وزنی کاملاً عروضی دارد.

این پژوهش در پی آن است که با مطالعه اوزان مشترک قرآن کریم و غزلیات حافظ، بسامد این اشتراک را تعیین کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا غزلیات حافظ همان‌گونه که در مفهوم تحت تأثیر آیات قرآن بوده است، در وزن نیز تابع اوزان آیات شریفه هست؟ آیا وزن مشترکی که در آیاتی از قرآن و اشعار حافظ استفاده شده برای بیان مفهومی خاص و یکسان بوده است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

همان‌گونه که بیان شد هدف از این جستار، واکاوی اشتراکات وزنی شعر حافظ و آیات قرآن کریم است و ضرورتی که برای انجام این پژوهش احساس می‌شود، این است که مشخص شود آیا همان‌اندازه که درون‌مایه و محتوای شعر شاعران بزرگی مثل حافظ تحت تأثیر قرآن است، ساختار عروضی شعر این شاعر هم با قرآن کریم اشتراکاتی دارد؟ پاسخ به این پرسش دریچه‌ای تازه از شعر حافظ و جذبه‌های آن را به روی پژوهندگان زبان و ادبیات فارسی می‌گشاید.

برای نیل به اهداف پژوهش، ابتدا به مطالعه آیات موزون قرآن کریم پرداخته و پس از طبقه‌بندی اوزان موجود در آیات قرآن، آن‌ها را با پربسامدترین اوزان غزل‌های دیوان حافظ مقایسه کرده، جنبه‌های تأثیرپذیری حافظ از اوزان قرآن کریم را باز می‌نماییم.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع وزن قرآن، دو مقاله نوشته شده است. شریف و بهرامی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی اعجاز موسیقایی قرآن از منظر اوزان عروضی در چهار جزء نخست قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در چهار جزء نخست قرآن ۱۲۰ عبارت موزون متفق‌الارکان که حاصل از تکرار ۱۵ رکن عروضی است وجود دارد و اوزان عروضی قرآن تصادفی نیست. ضمن این‌که نویسندگان معتقدند که اوزان قرآن فقط مختص وزن شعر عربی نیست، بلکه بسیاری از این اوزان مختص شعر فارسی است و احتمالاً اوزان مخصوص به سایر زبان‌ها نیز از قرآن قابل استخراج است.

صالحی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای آیات موزون قرآن را تحلیل کرده و با تقطیع هجایی کل آیات قرآن، مهم‌ترین پایه‌های وزنی را که در شعر عروضی فارسی و عربی کاربرد دارد، شناسایی و معرفی کرده است. نگارنده در این مقاله تلاش کرده است با معرفی نمونه‌هایی از آیات موزون در شکل‌ها، قالب‌ها و ساختارهای گوناگون، گستره و جایگاه آیات موزون قرآن را معرفی کند.

با توجه به این که تاکنون پژوهشی در زمینه تأثیر اوزان عروضی قرآن بر شعر شاعران ایرانی انجام نشده است، نگارنده این جستار به مطالعه این موضوع پرداخته است.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- اوزان مندرج در قرآن

هنگامی که از وزن سخن به میان می‌آید، اولین موضوعی که به ذهن می‌رسد پایه‌ها و ارکان عروضی در شعر است، اما در نگاهی کلی می‌توان چنین انگاشت که حتی در کلام عادی و غیرادبی هم ممکن است وزن وجود داشته باشد. نکته‌ای که وزن ادبی را از وزن غیرادبی جدا می‌کند، تکرار منظم پایه‌ها و ارکان عروضی در بخش‌های خاصی از کلام است که همین امر باعث شکل‌گیری اوزان عروضی می‌شود.

طبق تحقیقات به عمل آمده، در قرآن کریم با اوزان گوناگونی مواجه هستیم. «بیشتر اوزان شناسایی شده در قرآن کریم، سه رکنی و چهار رکنی هستند و البته وزن‌های دو رکنی هم به همان نسبت یافت می‌شود. در موارد معدودی شاهد وزن‌های پنج رکنی و بیشتر هم هستیم» (صالحی، ۱۳۹۷: ۹۵). درست است که اوزان قرآن در بیشتر اوقات با اوزان عروضی شعر عربی و فارسی مشترک است، اما در قرآن گاه وزن‌هایی یافت می‌شود که در زبان عربی و فارسی نمونه‌ای ندارد.

از آنجا که قرآن معجزه است و معجزه باید با همه ملت‌های گوناگون سنخیت داشته باشد، می‌توان چنین پنداشت که شاید برخی از این نوع اوزان، مختص زبان‌های دیگری باشد که تاکنون از این منظر مطالعه نشده‌اند. «اهمیت این پدیده از آن حیث است که نشان می‌دهد برخلاف باور پیشینیان، اعجاز لفظی قرآن به زبان نزول آن یعنی عربی محدود نمی‌شود و لذا از این بعد دارای اعجاز فرازبانی است» (شریف و بهرامی، ۱۳۹۵: ۸۴).

نکته دیگری که در مبحث تحلیل اوزان قرآن نباید از آن غافل بود این است که بیشتر اوزان قرآنی با شعر فارسی قرابت دارد، نه با شعر عربی. دلیل این پنداشت این

است که اوزان فارسی نسبت به اوزان عربی، روان‌تر، سبک‌تر، آهنگین‌تر و در یکی کلام ادبی‌تر است و اوزان قرآن هم به همین شکل هستند؛ در حالی که اوزان عربی نسبت به اوزان فارسی ثقیل‌تر و دارای زحافات بیشتری هستند. موضوع دیگر این که گاه در قرآن اوزانی یافت می‌شود که اختصاصاً متعلق به شعر فارسی است و این خود نکته‌ای است که در این مقاله به تفصیل درباره آن بحث خواهیم کرد.

با تذکر این نکته که مطالعه اوزان قرآنی به معنای شعر بودن قرآن نیست، مهم‌ترین ارکان عروضی به کار رفته در قرآن عبارتند از ۱۵ رکن اصلی که آن‌ها را مهم‌ترین ارکان عروضی فارسی و عربی می‌دانند. «۵ رکن فاعلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فاعلاتن و مستفععلن مشترک بین عروض عربی و فارسی و تکرار ۹ رکن مفتعلن، فاعلاتن، مفاعیلن، مفعولن، فاعلاتن، فاعلاتن، مفتعلن و مستفععلن مختص عروض فارسی هستند، اما رکن مستفعلاتن که در این مجموعه تنها یک شاهد دارد، در عروض فارسی و عربی، دست‌کم به عنوان رکن تکرار شونده، تاکنون سابقه ندارد» (شریف و بهرامی، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۹). گفتنی است که اوزان دیگری نیز در قرآن وجود دارد، اما از آنجا که ما در این جستار در پی تطبیق اوزان مشترک غزلیات حافظ و قرآن هستیم، از بیان آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم.

۲-۲- اوزان غزلیات حافظ

یکی از اموری که باعث شده شعر حافظ در اوج شکوه و گیرایی باشد، اوزان شعری و سنخیت محتوا و وزن در اشعار اوست. در یک نگاه کلی و با توجه به بسامد اوزان مورد استفاده حافظ، اوزان غزلیات او را می‌توان به این ترتیب دسته‌بندی کرد:

۱. فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی‌م مخبون محذوف)؛ ۲. مفاعیلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (مجتث مثنی‌م محذوف)؛ ۳. مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن (مضارع مثنی‌م اُخرب مکفوف محذوف)؛ ۴. فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی‌م محذوف)؛ ۵. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنی‌م سالم)؛ ۶. مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنی‌م اُخرب)؛ ۷. مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنی‌م اُخرب)؛ ۸. مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن (هزج مثنی‌م اُخرب مکفوف)

محدوف)؛ ۹. فعلاتن مفاعلن فعلن (خفیف مخبون محدوف)؛ ۱۰. فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محدوف)؛ ۱۱. مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن (رجز مثنی مطوی مخبون)؛ ۱۲. مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنی اخب)؛ ۱۳. فعلات فاعلات فعلات فاعلاتن (رمل مثنی مشکول)؛ ۱۴. مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن (مجتث مثنی مخبون)؛ ۱۵. مفعول مفاعلن فعولن (هزج مسدس اخب مقبوض محدوف)؛ ۱۶. فع لن فعولن فع لن فعولن (مقارب مثنی اثلیم)؛ ۱۷. مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (منسرح مثنی مطوی منحور)؛ ۱۸. مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (رجز مثنی سالم)؛ ۱۹. مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن (منسرح مثنی مطوی مکشوف)؛ ۲۰. فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن (مقتضب مثنی مطوی مقطوع)؛ ۲۱. مفتعلن مفتعلن فاعلن (سریع مطوی مکشوف)؛ ۲۲. فعولن فعولن فعولن فعولن (مقارب مثنی سالم)؛ ۲۳. فعولن فعولن فعولن فعولن (مقارب مثنی محدوف) (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۲).

۲-۳- اشتراکات وزنی برخی از آیات قرآن و شعر حافظ

۲-۳-۱- بحر رمل

با توجه به پربسامدترین اوزان شعر حافظ درمی‌یابیم که یکی از زیباترین و مطبوع‌ترین زحافات عروضی شعر حافظ، ازاحیف بحر رمل است؛ به‌گونه‌ای که از چهارصد و نود و پنج غزل حافظ، صد و هشتاد غزل در ازاحیف بحر رمل سروده شده است. در قرآن کریم نیز بحر رمل یکی از بحوری است که استفاده فراوان داشته است. بحر رمل «موجد غمی خفیف است و برای بیان اندیشمندانه و اسطوره‌ای مناسب‌تر به نظر می‌رسد» (سراج، ۱۳۶۸: ۵۷). در غزلیات فارسی عموماً و غزلیات حافظ خصوصاً، بحر رمل بیشتر برای بیان گله و هجر و فراق و مرثیه کاربرد دارد (برزگر خالقی؛ نوروززاده چگینی، ۱۳۹۰: ۱۰). به عنوان نمونه، ابیات زیر از حافظ نقل می‌شود:

یک دو جامم دی سحرگه اتفاق افتاده بود وز لب ساقی شرابم در مذاق افتاده بود

(حافظ، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
(همان: ۱۴۸)

شاهدان گر دلبری زین‌سان کنند زاهدان را رخنه در ایمان کنند
(همان: ۱۱۶)

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
(همان: ۱۶۳)

اصل این بحر در عربی به صورت مسدس و در فارسی به شکل مثنی است. «اوزان این بحر در عربی به صورت مسدس و مربع به کار می‌رود، اما در فارسی اوزان مثنی و مسدس آن مستعمل است» (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۱). نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که آیاتی از قرآن که دارای بحر رمل هستند همانند اشعار زبان فارسی گاهی به صورت رمل مثنی به کار رفته‌اند و از این نظر با بحر رمل اشعار عربی متفاوت است. برای نمونه به چند آیه توجه می‌کنیم:

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَ إِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹/۵۲): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن.
لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (۹۲/۳): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.
فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۹/۲): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن.
فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ (۱۰۳/۴): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن.
لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹/۳۵): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.

در کنار شواهد فراوانی که از بحر رمل مثنی در قرآن کریم وجود دارد، شواهدی بسیار از رمل مربع و مسدس نیز یافت می‌شود و این امر اثبات می‌کند که عروض موجود در قرآن، شباهت‌های فراوان با دو زبان کاملاً متفاوت (عربی و فارسی) دارد. به نمونه‌های زیر توجه می‌کنیم:

وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۴۵/۸): فاعلاتن فاعلاتن.
جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ (۱۵/۳۴): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.
وَ اسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا (۹۳/۲): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.

أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (۲۶۷/۲): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن.

۲-۳-۲- بحر مضارع

یکی دیگر از بحور مورد علاقه حافظ، بحر مضارع است. وزن اصلی آن در فارسی به صورت مثنی و به این شکل است:

مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

وزن سالم این بحر به ندرت در شعر فارسی مورد استقبال قرار گرفته است، اما اوزان مزاحف آن بسیار مورد توجه شاعران نامدار ایران بوده است. همان‌گونه که گذشت بحر مضارع از اوزان پرکاربرد شعر حافظ است و حافظ نود و دو غزل از مجموعه غزلیات خود را در ازاحیف مختلف این بحر سروده است. برای نمونه چند مورد از شعر حافظ ذکر می‌شود:

دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد من نیز دل به باد دهم هرچه باد باد
(حافظ، ۱۳۸۶: ۹۷)

ما آزموده‌ایم درین شهر بخت خویش بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش
(همان: ۱۷۶)

با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی تا بی‌خبر بمیرد در درد خودپرستی
(همان: ۲۷۶)

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت
(همان: ۱۵)

اصل بحر مضارع در عربی به شکل مسدس و در فارسی مثنی است. اوزان آن نیز در اشعار عربی فقط به صورت مربع استفاده می‌شود، اما در فارسی اغلب به شکل مثنی و ندرتاً مسدس کاربرد دارد. میزان کاربرد این بحر در عربی بسیار کم و برعکس در فارسی بسیار زیاد است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۹۳). این بحر نیز همچون بحر

رمل در قرآن به صورت مثنی به کار رفته است و همین امر بیانگر شباهت عروض فارسی و قرآن است:

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا / وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا / وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا / فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۷۹ / ۱-۴):
مفعول فاعلاتن (۴ بار).

أُولَى لَكَ فَأُولَى / (ثم) أُولَى لَكَ فَأُولَى (۷۵/۳۴-۳۵): مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن.
وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا / فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۱۰۰/۲): مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن.

۲-۳-۳- بحر هزج

یکی دیگر از بحرهای مورد استفاده و علاقه حافظ و مندرج در قرآن کریم بحر هزج است. هفتاد و شش غزل از غزل‌های حافظ در وزن و ازاحیف بحر هزج سروده شده است. این بحر نیز همچون سایر بحرهای عربی به صورت مسدس به کار می‌رود. اصل این بحر در فارسی به شکل مثنی است، لیکن صورت‌های مثنی، مسدس و به ندرت مربع آن، متداول است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). برای نمونه چند بیت از ابیات مبتنی بر بحر هزج در شعر حافظ نقل می‌شود:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل کجا دانند حال ما سبکبالان ساحل‌ها
(حافظ، ۱۳۸۶: ۱)

مسلمانان مرا وقتی دلی بود که با وی گفتمی گر مشکلی بود
(همان: ۱۳۵)

مرا مهر سیه‌چشمان ز سر بیرون نخواهد شد قضای آسمان این‌است و دیگرگون نخواهد شد
(همان: ۱۳۴)

سرت سبز و دلت خوش باد جاوید که خوش نقشی نمودی از رخ یار
(همان: ۱۴۹)

اینک شواهدی از بحر هزج در قرآن کریم:

فَإِنَّ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۷۷/۳۹): مفاعیلن مفاعیلن فعولن.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵/۹۷): مفاعیلن مفاعیلن فعولن.
فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا (۹۳/۱۲): مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن.
أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ (۶۰/۳۶): مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن.

۲-۳-۴- بحر متقارب

بحر متقارب یکی دیگر از بحور مورد علاقه حافظ است که چهار غزل از غزل‌های خود را در این بحر سروده است و در قرآن کریم نیز شواهد متعددی از آن وجود دارد. اصل این بحر در هر دو عروض فارسی و عربی به شکل مثنی است، اما در عربی شکل مسدس آن نیز مورد استفاده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). در شعر حافظ نیز شکل مثنی آن کاربرد دارد:

سلامی چو بوی خوش آشنایی بدان مردم دیده روشنایی
(حافظ، ۱۳۸۶: ۲۹۴)

بده ساقی آن می که حال آورد کرامت فزاید کمال آورد
(همان: ۳۱۲)

به من ده که من بس دل افتاده‌ام وزین هر دو بی حاصل افتاده‌ام
(همان)

نمونه‌هایی از شواهد قرآنی بحر متقارب:

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۲۳/۱۱): فعولن فعولن فعولن فعولن.
اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۱۱۰/۲): فعولن فعولن فعولن فعولن.
سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹/۳۷): فعولن فعولن فعولن فعل.
لَكَيْلًا يَكُونُ عَلَيْكَ حَرَجٌ (۵۰/۳۳): فعولن فعولن فعولن فعل.

۲-۳-۵- بحر رجز

بحر رجز یکی دیگر از بحور مندرج در شعر حافظ و قرآن است. رجز در لغت به معنای اضطراب و دلهره است. رجزخوانی که به معنای لاف و خودستایی است نیز از

همین واژه استخراج شده است. این بحر که در اصل تکرار رکن مستفعلن است، تداعی گر حالات تند عاطفی نظیر خشم و جنگ و از طرفی شادی و شمع است. «اصل این بحر در عربی به صورت مسدس و استعمال آن نیز اغلب به شکل‌های مسدس و مربع است، اما در فارسی اصل آن مثنی و به صورت‌های مثنی و گه‌گاه مسدس و مربع کاربرد دارد» (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۲۴). حافظ به ندرت از وزن سالم رجز استفاده کرده، اما از صورت مزاحف آن یعنی مفتعلن مفاعیلن بیشتر استفاده کرده است و هفت غزل از غزل‌های خود را در این بحر سروده است. نمونه‌هایی از بحر رجز در دیوان حافظ ذکر می‌شود:

آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند
برجای بدکاری چو من یکدم نکوکاری کند
(حافظ، ۱۳۸۶: ۶۱)

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف
گر بکشم زهی طرب گر بکشد زهی شرف
(همان: ۱۸۱)

سروچمان من چرا میل چمن نمی‌کند
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
(همان: ۱۱۴)

فاتح‌های چو آمدی بر سر کشته‌ای بخوان
لب بگشا که می‌دهد لعل لب به مرده جان
(همان: ۲۴۷)

شواهد بحر رجز در قرآن کریم:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ / أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۰/۵۶-۱۱): مستفعلن مستفعلن مستفعلن
مستفعلن.

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴/۳۷): مستفعلن مستفعلن فاعلن.
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ (۲/۷۲): مستفعلن مستفعلن مستفعلن.
كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵/۴۴): مستفعلن مستفعلن.

۳- نتیجه‌گیری

معجزهٔ دین مبین اسلام و پیامبر گرامی^(ص)، قرآن است. اعجاز قرآن هم در مفهوم و هم در الفاظ و ویژگی‌های زبانی آیات است. این اعجاز سبب شده است که در هیچ دوره‌ای کسی نتواند حتی یک آیه همانند قرآن بیاورد. یکی از مهم‌ترین نکاتی که باعث اعجاز قرآن شده است، بحث وزن و آهنگ قرآن است که نه شبیه شعر در معنای خاص آن و نه مانند سایر نثرهاست. با توجه به وزن آیه‌های قرآن مشخص می‌شود که قرآن دارای اوزانی دل‌انگیز است که گاهی آن وزن یا اوزان فقط مختص زبان قرآن یعنی عربی نیست.

قرآن کریم با الفاظ و معانی شورانگیز خود از زمان نزول تاکنون بر ادبیات عربی و فارسی و شاعران این زبان‌ها تأثیر بسیاری داشته است. حافظ شیرازی از جمله شاعرانی است که اشعارش هم از نظر محتوا و هم از نظر فرم تحت تأثیر قرآن است. یکی از موارد مورد مطالعه در شعر حافظ، اوزان عروضی اشعار اوست که در بسیاری از موارد تحت تأثیر اوزان قرآن قرار گرفته است. برآیند تحقیق اثبات می‌کند که با توجه به بسامد اوزان مورد استفادهٔ حافظ، می‌توان فهمید که این اوزان نیز در قرآن کریم به‌کرات استفاده شده‌اند. ما در این جستار به بررسی اوزان و بحور پرکاربرد شعر حافظ یعنی رمل، مضارع، هزج، متقارب و رجز پرداختیم و برای بررسی میزان تأثیرپذیری اشعار حافظ از قرآن، شواهدی از بحور مذکور ذکر کردیم. نکتهٔ مورد توجه این است که اوزان و بحور موجود در قرآن به سیاق اوزان و بحور عروضی فارسی است و در بیشتر اوقات به صورت مثنی و برخلاف شعر عربی به کار رفته‌اند و از این منظر این فرضیه تقویت می‌شود که اوزان قرآنی صرفاً اوزان عربی نیستند.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

- ۲- الرازی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۷)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تصحیح محمد قزوینی و محمد مدرس رضوی، تهران: زوآر.
- ۳- برزگر خالقی، محمدرضا؛ نوروززاده چگینی، وحیده، (۱۳۹۰)، «بررسی ساختار عروضی قصاید فارسی»، *فنون ادبی*، سال سوم، شماره ۲، صص ۱-۱۴.
- ۴- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۶)، *دیوان اشعار*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ پانزدهم، تهران: آسیم.
- ۵- خانلری، پرویز، (۱۳۶۷)، *وزن شعر فارسی*، تهران: توس.
- ۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۹)، *حافظنامه* (بخش اول)، چاپ یازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- سراج، سید حسام‌الدین، (۱۳۶۸)، «موسیقی شعر»، *سوره*، دوره اول، شماره ۸، صص ۵۶-۵۷.
- ۹- شریف، بابک؛ بهرامی، فاطمه، (۱۳۹۵)، «اعجاز موسیقایی قرآن در آئینه عبارت‌های موزون عروضی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال چهارم، شماره سوم، صص ۶۹-۹۰.
- ۱۰- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، *آشنایی با عروض و قافیه*، چاپ دوم، تهران: میترا.
- ۱۱- صالحی، علیرضا، (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر آیات موزون قرآن کریم»، *پژوهش دینی*، شماره ۳۶، صص ۸۹-۱۱۷.
- ۱۲- محمدی، داود، (۱۳۸۷)، *مقایسه عروض فارسی و عربی* (پایان‌نامه)، دانشگاه شهید بهشتی.

Archive of SID